

زندگی علمی و جایگاه آخوند خراسانی در زعامت حوزه علمیه نجف

دکتر امیر تیمور رفیعی

استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی محلات

محمد وزین

کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی واحد محلات

چکیده:

معرفی رجال دین، علم و سوابق درخشان علمای شیعه باعث می‌شود مردم بدانند روحانیت چه آثار و برکاتی در اعصار گذشته داشته‌اند و نوعی تبلیغ برای مذهب شیعه است. علمایی همچون مرحوم آخوند خراسانی افتخاری برای تشیع محسوب می‌شوند. مرحوم آخوند خراسانی در عصر اخیر از مشاهیر بزرگ بودند و شاگردان بزرگی تربیت کردند. در درس مرحوم آخوند خراسانی، مجتهدین و رجال برجسته‌ای حضور داشته‌اند. که این‌ها نشان از عظمت این شخصیت دارد. شاگردان آخوند خراسانی نیز باید به صورت عمیق و مفصل معرفی شوند، مرحوم آخوند خراسانی اخلاق بسیار بزرگوارانه و بانشاطی داشتند و حتی برای مخالفین خود احترام قائل بودند. نوشتار حاضر برآنست تا با تمرکز بر زندگی یکی از این علما، یعنی آخوند خراسانی، تحرکات علمی و عملی مختلفی را که در آن صورت گرفته است، به نظاره بنشیند. برآنیم تا از برخی از برهه‌های تاریخی این عالم بزرگوار در کنار برخی از صفات برجسته اخلاقی مورد بازخوانی قرار دهیم. در ابتدا، به سفر ایشان به تهران و نجف اشاره خواهد شد و در ادامه به حیات علمی ایشان در قالب ذکر شاگردان، احترام به استاد، احاطه علمی ایشان پرداخته خواهد شد. زهد اخلاقی از صفات برجسته آخوند خراسانی است که در دو دوره طلبگی و مرجعیت مورد بازبینی قرار گرفته است و در این رابطه به تواضع ایشان با شاگردان و مخالفان خود نیز اشاره شده است. این پژوهش از نوع توصیفی می‌باشد که پژوهشگر از کتب، مقالات، نشریات و اسناد مختلف به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته است.
واژگان کلیدی: محمد کاظم خراسانی؛ مرجعیت عامه؛ کفایه الاصول، حوزه علمیه.

مقدمه:

آخوند خراسانی از سلسله حماسه سازان تاریخ ایران است. وی مرجع تقلید، مدرس کم نظیر حوزه علمیه نجف و رهبر انقلاب مشروطه بود. از مهمترین و برجسته ترین فرازهای حیات آخوند خراسانی نقش بسیار مهم و مؤثر و قاطع او در تأسیس و تحکیم مبانی مشروطیت ایران است. آخوند خراسانی بزرگترین مرجع تقلید و با نفوذترین پیشوای روحانی عالم تشیع در آن عصر شناخته می شد. مهمترین و بارزترین کتابهایی که در این خصوص دارای سندیت بالایی می باشند عبارتند از: کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر (حمید عنایت) محوریت موضوع، بر جایگاه مرجعیت جهان اسلام به ویژه آخوند خراسانی می باشد، و به تفسیر مفاهیمی چون، تقیه، شهادت، ولایت، غیبت، امر به معروف و نهی از منکر، همراه با مقتضیات زمان می پردازد. به وحدت وهم گرایی بین شیعه و سنی توجه زیادی دارد.

در کتاب برگگی از تاریخ معاصر (آقا نجفی قوچانی) شرح جامعی از فعالیتهای سیاسی و اقدامات ضد استبدادی و ضد استعماری روحانیان مشروطه خواه، بخصوص آخوند خراسانی دارد، که به بررسی ابعاد شخصیتی و نقش آخوند ملاً محمد کاظم خراسانی در نهضت مشروطه می پردازد، و تعدادی از فتاوی آخوند خراسانی را نیز در بر دارد. کتاب حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آخوند خراسانی (محسن دریا بیگی) ابعاد مختلف حیات آخوند خراسانی، در مرجعیت و روحانیت زمان بویژه اوج شکل گیری نهضت مشروطه را مورد بررسی داده است.

مرگی در نور (عبدالحسین مجید کفایی) که تصویر کاملی از استعداد و تلاش علمی آخوند خراسانی را بعنوان یکی از اساتید مطرح حوزه نجف دارد و همچنین به نقش برجسته ایشان در پرورش تعداد زیادی شاگرد، که بسیاری از آنها از عالمان بزرگ حوزه های علمیه هستند، اشاره می کند.

مرجع عالی قدر، آیت الله العظمی محمدکاظم خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ ه. ق.) به حتم از بزرگترین مجتهدان جریان ساز شیعی است که در صد سال گذشته، همواره توجه دانشمندان حوزوی و مصلحان سنتی و حتی متجدد را برانگیخته است. توجه به او دست کم از سه منظر بوده است:

۱- آرای اصولی و فقهی؛

۲- اندیشه‌های سیاسی و نظریه‌پردازی در حوزه حکومت و کشورداری؛

۳- رهبری علمی و عملی مشروطه؛

درباره هر یک از این ویژگی‌ها و کارنامه آخوند خراسانی، در منابع متعدد و گفتارهای فراوان، از جمله تکنگراری‌های بسیار، سخن‌های زیادی گفته شده است. دلیل این همه توجه و اهتمام به وی، تنها بلند پایگی او در علوم حوزوی و تألیف مهم‌ترین کتاب درسی حوزه (کفایة‌الاصول) نیست، بلکه افزون بر آن، جایگاه کلیدی ایشان در انقلاب مشروطه و دفاع نظری از مبانی دینی و فقهی نهضت مشروطه‌خواهی مردم ایران، نام وی را همواره برای همه محققان تاریخ معاصر و مورخان مشروطه و مردم ایران زنده نگه خواهد داشت.

یکی از مهم ترین مؤلفه های سیاست ورزی آخوندخراسانی، تلاش برای حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی ایران بود. ایشان حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی کشور اسلامی ایران را مصداق حفظ کیان اسلام و از اهم واجبات می دانست. در نتیجه با اشغال خاک ایران توسط روسیه و انگلیس، آخوند خراسانی تمام تلاش خود را برای بیرون راندن آنها به کار گرفت. سوال اصلی تحقیق را می توان این گونه بیان نمود که:

جایگاه و نقش آخوند خراسانی در مرجعیت زمان و رهبری جامعه اسلامی چیست؟
اهداف:

۱- بیان تمایز اصلی و اساسی آخوند خراسانی با مرجعیت زمان .

۲- بررسی موضع گیری و اقدامات آخوند خراسانی در برابر تجاوز بیگانگان.

۳- بیان ارتباط اصل دوم قانون اساسی با تلاش و رهبری آخوند خراسانی.

دودمان و آغاز زندگی آخوند خراسانی

محمد کاظم آخوندخراسانی در سال ۱۲۱۵شمسی (۱۲۵۵قمری) از خاندانی روحانی در مشهد ولادت یافت. (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴:ص ۴۱) اجداد او ریشه هراتی داشتند که در آنزمان از شهرهای شرق خراسان بود. پدر او ملا حسین هروی در جوانی برای ادامه تحصیل از هرات به مشهد هجرت کرد و در همان جا ساکن شد. ملا حسین واعظ هروی شخصیتی وارسته و بزرگوار بود که ، در کنار تبلیغ به تجارت ابریشم نیز مشغول بود. ایشان در یکی از سفرهای تبلیغی، در

کاشان ازدواج کرد. سرانجام به جهت عشق علاقه ای که به امام رضا (ع) داشت به مشهد مهاجرت کرد و در آنجا برای همیشه ساکن شد. (قوچانی، ۱۳۶۲: ص ۴۷۴) درباره مادر محمد کاظم اطلاع درستی در دست نیست. (کفایی، ۱۳۵۹: ص ۸)

از میان پسران مرحوم ملا حسین هروی تنها محمد کاظم بود که در یازده سالگی با عزمی قاطع و اراده ای استوار برای رسیدن به عالی‌ترین مراتب علمی و معنوی در این راه دشوار و ناهموار قدم گذاشت. از همان ابتدا در مدرسه سلیمانیه به تحصیل علوم و معارف اهل بیت (ع) مشغول شد. از همان آغاز تحصیلات، نبوغ او در فراگیری علوم و قدرت خارق العاده وی در تدریس و تقریر مطالب پیدا بود، و بر همه نزدیکان خویش موفقیت چشم‌گیری داشت. در هفده سالگی ازدواج کرد. در مدت یازده سال مقدمات و سطوح را به پایان رساند. تا سن بیست و دو سالگی، در خراسان، و در کنار پدر به تحصیل مقدمات و مبانی دانشهای دینی پرداخت. و در ماه رجب سال ۱۲۷۷ ق، برای عزیمت به شهر نجف و زیارت عتبات، به سوی تهران حرکت کرد. قافله ای که او همراه آن حرکت می کرد برای استراحت یک روزه در سبزوار متوقف شد. شهرت علمی حکیم نامدار حاج ملا هادی سبزواری در آن زمان سراسر ایران را فرا گرفته بود. آخوند خراسانی، فرصت را مغتنم شمرد و در مجلس درس ملا هادی سبزواری شرکت کرد. حوزه فلسفی سبزواری متشکل از طلابی فاضل بود که بعد از طی مقدماتی در منطق و حکمت به فیض شرکت در آن محفل علمی نائل می شدند. حضور جوانی نا آشنا در آن مجمع موجب تعجب و اعتراض حضار شده بود. آن روز پس از خاتمه درس، حکیم سبزواری به طلابی که به حضور آن طلبه جوان غریب در چنین محضر علمی معترض بودند فرمود: «کسی که به چشم تحقیر در وی می نگرید نبوغی خارق العاده و آینده ای بس درخشان دارد. او به پایگاهی از علم خواهد رسید که هزاران نفر از انوار دانش وی بهره خواهند برد، و به جایگاهی تکیه خواهد زد که به فرمان او پادشاهی از سلطنت خلع خواهد شد.» (کفایی، ۱۳۵۹: ص ۹)

آخوند خراسانی در سن ۲۳ سالگی پس از یکسال و شش ماه اقامت در تهران به سوی نجف به راه افتاد، و در صفر ۱۲۷۹ ق، وارد نجف شد. (امین عاملی، ۱۴۰۳: ص ۵) پس از زیارت بارگاه مولاعلی (ع)، از ابتدای ورود به نجف در حوزه درس شیخ مرتضی انصاری حضور می یابد.

جایگاه و قدرت علمی، وجه تسمیه لقب آخوند

آخوند خراسانی در ابتدای حضور در نجف و درس شیخ مرتضی انصاری مدتی خانه ای را در همسایگی شیخ اجاره کرده بود. می فرمود: من شب ها مطالعه می کردم و برای روز بعد آماده می شدم. آخوند خراسانی از برجسته ترین مربیان و استادان حوزه نجف بود. جایگاه علمی، دیدگاه های بکر اصولی و فقهی، هوشمندی و بیان شیوا وی را در میان همطرازان ممتاز کرده بود. آخوند در تعلیم و تربیت صاحب مسلک بوده، شاگردان بسیار، و ممتازی در حوزه دینی اش پروریده اند و بخش قابل توجهی از بنیة علمی حوزه ها در سده اخیر و امدار اندیشه های آن فقیه سترگ است.

عده بسیاری از شاگردان دیگر بزرگان علمی از جمله شاگردان میرزا محمدحسن شیرازی مانند شیخ عبدالکریم حائری در درس آخوند خراسانی شرکت می کردند، و سید حسن صدر از مراجع تقلید درسفر به نجف، از درس آخوند خراسانی استفاده می کرد. «درس آخوندچنان که تعطیل می شد از همه تعطیل می شد ولو از مقدمات خوان ها باشد و روزی که شروع می شد از همه شروع می شد و تدریس او به منزله قطب تدریس نجف شده بود». (آقانجفی قوچانی، ۱۳۶۲: ص ۳۹۵)

آخوند خراسانی از مجتهدان و مربیان جریان ساز و صاحب سبک بود و شاگردان وی در بیش از نیم قرن در عرصه های گوناگون حوزه ها درخشیده اند. شاگردان آخوند خراسانی به عنوان روحانیان فاضل و با سواد شهره بودند، و افراد به شاگردی خود در نزد آخوند خراسانی و حتی به شاگردی نزد شاگردان وی نیز مباحثات می ورزیدند. روش تربیتی و شیوه های آموزشی وی، که متأثر از مکتب استادش میرزا محمدحسن شیرازی بود برای همه زمان ها و حوزه های معاصر درس آموز است و می تواند در تحول و کار آمدی حوزه ها نقش آفرین باشد. در یکی از سفرهای خود به کربلا پس از زیارت، در درس آیت الله آخوند اردکانی - متوفای ۱۳۰۲ ق - شرکت کرد. اردکانی نظر شیخ انصاری را در مسأله ای بیان و سپس بر نظر او چند اشکال وارد کرد. اشکالها درست بود. آخوند خراسانی پس از برگشت به نجف و شرکت در درس شیخ انصاری، اشکالهای اردکانی را به استاد بازگو کرد. شیخ انصاری یکی از اشکالها را پذیرفت اما اشکال دوم را رد کرد. آخوند خراسانی به دفاع از اشکال دوم اردکانی پرداخت و استاد دوباره پاسخ گفت اما آخوند دفاعیه استاد را قانع کننده ندانست و بار دیگر اشکال را با بیانی تازه مطرح کرد، گفت و شنود شاگرد و استاد به درازا کشید. صدها طلبه که در درس شیخ انصاری شرکت داشتند، در شگفت بودند که چگونه طلبه ای جوان که ۲۵ سال بیش نداشت و کمتر از سه سال بود که به درس شیخ انصاری راه یافته،

بی محابا با دلیل‌های قوی به استاد، اشکال می‌گیرد. یکی از طلاب به دیگران گفت: این آخوند (آخوند خراسانی) را ببینید که دارد گفتار آن آخوند (آخوند اردکانی) را تأیید می‌کند. از آن زمان به بعد در همه نجف او را با لقب آخوند خراسانی صدا می‌کردند. (کفای، ۱۳۵۹: ص ۱۴۰)

آوازه علمی آخوند خراسانی به تدریج در حوزه علمی نجف پیچید و روز به روز بر شمار شاگردانش افزوده شد. وی در علوم عقلیه و شرعیه، از حکمت، کلام، احکام، فقه، اصول و مانند آن سرآمد روزگار بود، حتی در سیاست متداول میان دولتها و کیفیت تنظیم ادارات مملکتی که شغل او نبود، مهارت بسزایی داشتند و در زمان حیات میرزا محمدحسن شیرازی یکی از بهترین اساتید حوزه علمی نجف بودند، به همین جهت مورد توجه روحانیان و بزرگان چون میرزا محمدحسن شیرازی بود، ایشان آخوند خراسانی را به علم و فضلی که داشت می‌ستود و مقام علمی ایشان را به طلبه‌ها گوشزد و آنان را به استفاده از درس او تشویق می‌کردند. (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷: ص ۱۵۱)

آخوند خراسانی نیز تا هنگامی که میرزا محمد حسن شیرازی زنده بود، به احترام استاد بالای منبر نمی‌رفت، روی زمین می‌نشست و درس می‌گفت. بعد از مهاجرت میرزا محمدحسن شیرازی در سال ۱۲۹۰ قمری از نجف به سامراء و وفات ایشان در سال ۱۳۱۲ قمری، آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۴ق: صص ۲۰-۱۹) بر مسند عالی او نشست. و متجاوز از چهل سال، کرسی درس فضلا و روحانیان آن حوزه شریف را به عهده داشت. (دائرة المعارف تشیع، ۱۳۸۱: ص ۱۴). ایشان از موفق‌ترین استادان تاریخ حوزه‌های علمی شیعه بود. مختصر و مفید بودن و پرداختن به اصل مطالب و حذف زوائد و تحقیق عمیق و گسترده را از ویژگی‌های شاخص درس او بر شمرده‌اند. (آقا نجفی قوچانی، ۱۳۶۲: ص ۱۹۵)

اساتید آخوند خراسانی

آخوند خراسانی در دوازده سالگی وارد حوزه علمی مشهد شد. ادبیات عرب، منطق، فقه و اصول را در حوزه مشهد فرا گرفت. در ۲۲ سالگی (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۱). (در سال - ۱۲۷۷ ق) برای ادامه تحصیل عازم نجف شد، در بین راه، درس‌زوار در کلاس درس حاج مآهادی سبزواری (م ۱۲۸۹ ق) شرکت کرد. سپس به تهران سفر کرد و همانطور که در مطالب بالا گفته شد، نزد مآحسین خویی و نیز میرزا ابوالحسن جلوه (م ۱۳۱۴ ق) به یادگیری فلسفه مشغول گردید.

آخوند خراسانی پس از تحصیلات در ایران (مشهد و تهران) وارد حوزه نجف می‌شود، علاوه بر حضور در دروس فقه و اصول شیخ مرتضی‌انصاری و میرزامحمد حسن شیرازی، در درس اخلاق آیت الله سید علی شوشتری حضور می‌یابد. در همین درس اخلاق سید شوشتری، شیخ انصاری نیز حاضر می‌شده است. سید شوشتری را منتها الیه اساتید معتبر اخلاقی در دو قرن اخیر می‌دانند. آخوند سالها در درس آیت الله شیخ راضی بن محمد نجفی (متوفای ۱۲۹۰ ق) و آیت الله سید مهدی مجتهد قزوینی ادامه تحصیل داد. (رازی، ۱۳۳۵: ص ۱۷۱)

در حوزه درس میرزای شیرازی، آخوند خراسانی بسیار مورد توجه و لطف استاد خویش قرار داشت و در اکثر اوقات اتفاق می‌افتاد که مجلس درس به صورت مباحثه بین آن استاد و این شاگرد در می‌آمد. یک بار که کار تبادل نظر بین آن استاد دانش پرور و این شاگرد دانش پژوه به درازا کشید و روزهایی متوالی را به خود اختصاص داد، آخوند خراسانی بدون آنکه از نظر علمی قانع شده باشد برای رعایت حریم استاد سکوت نمود. روز بعد وقتی که میرزای شیرازی بر منبر تدریس نشست پیش از شروع به درس، اظهار کرد در مسئله ای که روزهای گذشته بین او و شاگردش مورد مناقشه بود حق با آخوند خراسانی بوده است. و آن گاه درباره شاگرد محقق خود جمله ای بر زبان آورد که مشهور شد و در صفحات تاریخ نقش بست. آن جمله چنین است: «بدایه فکر الآخوند نهاییه افکار الآخرین». (صدرالاسلام خوبی، ۱۴۲۷ق: ص ۱۰۸۷)

میرزای شیرازی مقام فضل و رتبه رفیع دانش آخوند خراسانی را بسیار می‌ستوده و او را بر دیگر فضلاء نامدار حوزه درس خویش تفضیل و ترجیح می‌داد. روزی جمعی از شاگردان میرزای شیرازی نزد او شکوه کردند کثرت اشکال‌های آخوند خراسانی در وقت تدریس شما، مانع پیشرفت درس می‌شود. میرزا پاسخ داد: «من این درس را برای جناب آخوند خراسانی می‌گویم و هر کس دیگر هم که مایل باشد می‌تواند در این درس شرکت کند». (کفایه، ۱۳۵۹: ص ۹۸)

آخوند خراسانی به سید مهدی قزوینی (متوفی در ربیع الأول ۱۳۰۰ قمری) که از بزرگان علمای سده های اخیر می‌باشد ارادت فراوان می‌ورزید. اشاره آخوند خراسانی در مبحث اجماع تشریفی - از مباحث کفایه الاصول - به همین سید بزرگوار است. (دریابگی، ۱۳۸۶: صص ۸ - ۲۰۷)

آخوند خراسانی سخت به سید شوشتری ارادت می‌ورزید و سید نیز به آخوند خراسانی بسیار عنایت داشت. آخوند خراسانی گفته است: «سید علی شوشتری اسلوب درست تحصیل علم را به من آموخت. و همین ارشاد و راهنمایی او مرا به این مرتبه از دانش رساند». (امین عاملی، ۱۴۰۳ق: ص ۵)

در سال ۱۲۸۳ ق، سیدعلی شوشتری رحلت فرموده، دیگر اطلاعی از تحصیل اخلاقیات از جانب آخوند خراسانی در دست نیست. از اساتید دیگر آخوند خراسانی چه شیخ انصاری و چه میرزا حسن شیرازی اگر چه انسان‌های اخلاقی و خود ساخته‌ای بوده‌اند ولی به عنوان استاد اخلاق مطرح نیستند. ولی یک مطلب دیگر مسلم و روشن است و آن احترام زائد الوصف مرحوم آخوند همدانی و آخوند خراسانی به یکدیگر بوده است.

شاگردان آخوند خراسانی و پرورش نیروهای توانمند

یکی از امتیازهای حوزه درس آخوند خراسانی آن است که اکثر شاگردان او با اختلاف مراتب، متصدی مقامات عالیه روحانیت گشته‌اند. مرجعیت تقلید و زعامت عالم تشیع بعد از رحلت میرزا محمد تقی شیرازی تا عصر حاضر در اختیار شاگردان بلا فصل و (با واسطه) آخوند خراسانی بوده است. میرزا محمد تقی شیرازی شاگرد میرزا محمد حسن شیرازی و آخرین فرد از سلسله مراجع تقلیدی است که در رده آخوند قرار داشتند و معاصر وی بودند. با درگذشت او در سال ۱۳۳۸ ق، مرجعیت عالم تشیع به طبقه شاگردان آخوند خراسانی منتقل شد. از آن سال تا کنون، پیوسته و بدون استثناء، مراجع بزرگ شیعیان جهان یا شاگرد آخوند خراسانی بوده‌اند و یا در محضر یکی از شاگردان وی شاگردی کرده‌اند.

مشهورترین شاگردان آخوند خراسانی که در مراتب علمی و معنوی و اجتماعی مقامی والا احراز کرده‌اند عبارتند از:

سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ق-۱۳۶۵ق)، محمدحسین اصفهانی کمپانی (۱۲۹۶ق، ۱۳۶۱ق) شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۳۸خ، ۱۳۱۵خ) سیدحسین طباطبائی بروجردی (۱۲۹۲ق، ۱۳۸۰ق) حاج سید حسین طباطبائی قمی (۱۲۸۲ق، ۱۳۶۶) شیخ ابوالقاسم قمی (۱۲۸۰ق، ۱۳۵۳ق) شیخ عبدالله گلپایگانی، شیخ علی قوچانی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا ابوالحسن مشکینی، شیخ محمد علی شاه آبادی، میرزا محمد حسین نایینی، سید محسن امین عاملی، سید عبدالحسین شرف الدین عاملی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ هادی کاشف الغطاء، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، سید هبه الدین شهرستانی، سید ابوالقاسم کاشانی، سید حسن مدرس، سید صدرالدین صدر، سید حسین خمامی، شیخ جعفر محلاتی، شیخ محمد سلطان العلماء اراکی، سید حسن آقا نجفی قوچانی، میرزا محمد فیض قمی، حاج میرزا محمد کفائی خراسانی (آقا زاده)، حاج میرزا احمد کفائی خراسانی. (کفایی، ۱۳۵۹: ص ۲۶۲)

استادان بزرگ و دوراندیش همواره در اندیشه فردای حوزه بوده وهستند. از این رو آنان در خلال درس و مباحثه طلاب مستعد وشایسته برای اداره حوزه را شناسائی کرده به آنان میدان می دادند تا ظرفیت واستعداد خود را بروز دهند وخود را برای فردای حوزه آماده سازند. با این کار هم حوزه از تک محوری وتک استادی خارج شده ونیزافکار و اندیشه های متنوع وبکرگونگونگون زمینه رشد ونمو پیدا می کند. میرزا محمدحسن شیرازی دراین جهت پیشتاز بود. وی شاگردان برازنده اش را به تدریس وامی داشت ونوپایان را تشویق می کرد تا در درس آنان شرکت کنند از این رو شاگردان قدیمی برای آماده شدن اشخاص ضعیف واستفاده آنان از درس میرزا محمدحسن شیرازی شاگردان میرزا میرزا برای دیگران حوزه های درس تشکیل داده، به تقویت دیگران می پرداختند. از جمله: آخوند خراسانی و محمدتقی شیرازی و سید محمد اصفهانی این کار را بر عهده داشتند. آخوند خراسانی نه ماه درس را در درس میرزا حسن شیرازی شرکت وهم زمان تدریس نیز می کرد.(نجفی قوچانی، ۱۳۷۸، ص ۱۲)

آثار علمی وتالیفات آخوند خراسانی

اگر آخوند خراسانی درگیر مسائل سیاسی و اجنماعی ایران و سایر ممالک اسلامی نمیشد چون ذاتاً مردی دانش دوست و دانش پرور بود بی گمان کتب علمی بسیاری را تألیف میکرد. سالهای آخر عمر او که سرشار از تجارب علمی بود، مصادف با انقلابها و درگیری های ایران و تجاوزات بیگانگان و پریشانی کشور وملت گردید. از همین رو فرصتی برای تألیف کتابی نونداشت.

آخوند خراسانی، آثار و تالیفات بسیاری از خود باقی گذاشته است که به طور کلی می توان آنها را به دو دسته آثار منتشرشده و آثار منتشرنشده تقسیم کرد:

الف) آثار منتشرشده آخوند خراسانی

فهرست آثار بر مبنای تاریخ نگارش آنها عبارتند از:

۱- **تعلیق اول بر کتاب رسائل شیخ انصاری:** این کتاب که نخستین اثر علمی آخوند خراسانی می باشد در بیست و هشتمین سال عمر او تصنیف شده، شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب الذریعه، آن را دقیق ترین حاشیه کتاب رسائل شمرده است.

۲- **تعلیق دوم بر کتاب رسائل شیخ انصاری:** این کتاب که پس از تعلیق اول نگاشته شده است از آن مبسوط تر می باشد. از این رو تعلیق اول به حاشیه قدیم و تعلیق دوم با حاشیه اخیر مبسوط

آخوند بر رسائل مشهور است. این تعلیقه نیز همچون تعلیقه پیشین در نزد اهل تحقیق دارای اهمیت بسیار بوده از ارزنده ترین تعلیقات کتاب رسائل و از مهم ترین تألیفات اصولی آخوند خراسانی محسوب می شود. وی این کتاب را به تدریج و در طی سنواتی متجاوز از ده سال به پایان رسانده است. آنچه به نام تعلیقه آخوند خراسانی بر رسائل شیخ انصاری مکرراً به طبع رسیده است تلفیقی از این دو حاشیه می باشد. این تلفیق در زمان حیات آخوند خراسانی انجام گرفته است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳:ص ۲۷۶)

۳- فوائد: این کتاب بسیار ارزشمند، مشتمل بر پانزده فائده در مباحث مهم اصولی و فقهی می باشد. آخوند خراسانی پس از نگارش تعلیقه دوم بر رسائل، به تصنیف این کتاب پرداخته است. این اثر نفیس علمی دو بار به طور مستقل و مکرراً همراه تعلیقه رسائل به طبع رسیده است.

۴- تعلیقه بر مکاسب شیخ انصاری: این کتاب در سال ۱۳۱۹ قمری نگاشته شده است و شامل مباحث بیع و خیارات می باشد. این کتاب با وجود اختصار، از مهم ترین آثار علمی آخوند خراسانی و از دقیق ترین و عمیق ترین و ارزنده ترین تعلیقات کتاب مکاسب به شمار می آید. این تصنیف پر اهمیت یک بار با چاپ سنگی^۱ و بار دیگر با چاپ سربی طبع شده است. از نظر تحقیق، بهترین و محققانه ترین حواشی مکاسب، حاشیه آخوند خراسانی است که از جهت تحقیق در لبّ مطالب خیلی مفید است. از نظر تدقیق مطالب، حاشیه میرزا محمد تقی شیرازی بر همه مقدم است، چون ریزه کاری های مطالب را خیلی خوب بیان کرده است. ولی مجموعاً بهترین و جامع ترین حواشی، حاشیه مرحوم سید (محمد کاظم یزدی) است، زیرا در عمده مباحث، حاشیه دارد و از نظر تتبع بلا اشکال مقدم است. از نظر تحقیق، جنبه های فقهاتی قوی داشته و روایات واقوال را درست و جالب نقل می کند و بر کلمات قوم هم تسلط کافی دارد.

۵- کفایة الأصول: کتاب گران سنگ و دقیق کفایة الاصول که در سال های بعد از ۱۳۲۱ قمری تالیف شده و برخی فهم آن را به مثابه ملاک اجتهاد دانسته اند، دارای یک مقدمه که مشتمل بر ۱۳ امر و ۸ مقصد و خاتمه ای در مبحث اجتهاد و تقلید می باشد. شیوه آخوند خراسانی در نگارش گزیده نویسی است، جز نکات مهم، به مطلب دیگری اشاره نمی کند و چیزی جز حرف های تازه ای که خود دارد، نمی نویسد و بیهوده به نقل اقوال و این قلت های بی ثمر روی نمی آورد.

^۱ - در تهران در سال ۱۳۲۴ق. به چاپ رسیده است.

این کتاب که معروف‌ترین تألیف آخوند خراسانی شمرده می‌شود شامل دو جلد می‌باشد که نخستین در مباحث الفاظ و دومین در مباحث عقلیه است. کفایه آخرین کتاب درسی طلاب در علم اصول و نهایی‌ترین متن اصولی در دوره سطوح عالی می‌باشد و محور و اساس کار مدرسان در تدریس خارج اصول قرار می‌گیرد. کتاب کفایه حاوی آخرین آراء و مبانی آخوند خراسانی در علم اصول، و نمایانگر پخته‌ترین نظریات اصولی او در کامل‌ترین ادوار زندگانی علمی وی و اساسی‌ترین مباحث علم اصول می‌باشد. اسلوب آن ایجازی است در حد اعجاز، بدون آنکه این ایجاز در بیان مطالب ایجاد اختلال کند. در کتاب کفایه، کلمات و تعابیر با نهایت دقت انتخاب شده است و به این جهت این کتاب مفاهیم علم اصول و دقایق آن را دقیق‌تر از سایر کتب اصولی بیان می‌کند. تحقیقات عمیق آخوند خراسانی و ابداعات دقیق او در کفایه، در قالب عباراتی موجز و سنجیده، این کتاب را غامض و فهم آن را دشوار ساخته است. این ویژگی را مصنف خبیر آن با عنایت و به عمد در این متن ایجاد کرده است تا دانش پژوهان برای درک مطالبی عمیق و دقیق از بیاناتی موجز به امعان نظر و اعمال دقت پرداخته، از این راه به ورزندگی فکری نائل شوند. کفایه همان قدر که از نظر تأسیس مبانی جدید در علم اصول ارزشمند است از جهت تهذیب این علم از زوائد و اضافات نیز حائز اهمیت می‌باشد. این خصوصیات و امتیازات به کتاب کفایه هیمنه و سیطره ای داده است که تمام کتب اصولی پیش از آن- به استثنای کتاب رسائل شیخ انصاری- تحت الشعاع آن قرار گرفته است. تا کنون که به تقریب یک قرن از تصنیف کتاب کفایه گذشته بیش از یکصد و پنجاه شرح و تعلیقه بر آن نوشته شده است که دلیل بر اهمیت کم نظیر این کتاب و عمق و دقت مطالب آن می‌باشد. و هر چند گاهی شرحی جدید و تعلیقه ای تازه از سوی دانشمندان و محققان والا مقام علم اصول بر این کتاب نگاشته می‌شود که حاوی تحقیقاتی نو و نکاتی ناگفته درباره مبانی اصولی آخوند خراسانی و عبارات کفایه می‌باشد. شهرت عظیم و بسیار وسیع کتاب کفایه سبب شده است که خاندان آخوند خراسانی و بازماندگان وی به کفائی خراسانی مشهور شوند. (دائرة المعارف تشیع، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۴)

۶- رساله در وقف

۷- رساله در رضاع

۸- رساله در دماء ثلاثه: این رساله به نظر کثیری از اهل تحقیق بهترین و برترین و دقیق‌ترین و ارزنده‌ترین اثر علمی آخوند خراسانی می‌باشد. قدرت فقاها و عمق تحقیق آخوند خراسانی از این رساله بیش از سایر آثار فقهی او پیداست و آن را در میان مصنفات وی، یگانه کتابی دانسته اند

که حاکی از مقام و منزلت علمی بسیار رفیع مصنف آن می باشد. این سه رساله به ضمیمه یکدیگر، یک بار در سال ۱۳۳۱ قمری در بغداد و دیگر بار در سال ۱۴۲۴ قمری در قم به طبع رسیده است.

محقق بزرگ و شاگرد نامدار آخوندخراسانی، شیخ ضیاءالدین عراقی مکرراً گفته است: «اگر کسی کتاب کفایه الأصول را ملاک رتبه علمی و قدرت فکری آخوند قرار دهد در حق او جفا کرده است. در بین مصنفات علامه استاد تنها کتابی که شایسته مقام شامخ علم و فکر و دقت وی می باشد کتاب دماء ثلاثه اوست».

۹- **تکملة التبصرة**: این کتاب یک دوره فقه فتوایی به اسلوب تبصره علامه حلی می باشد که آخوند خراسانی فروعی بر آن افزوده و در موارد اختلاف در فتوا، رأی علامه را حذف و نظر فتوایی خود را در متن ادراج کرده است. این کتاب که مشتمل بر آخرین آراء فقهی آخوندخراسانی می باشد یک بار در سال ۱۳۲۸ قمری در تهران و بار دیگر در سال ۱۴۰۰ قمری در قم به چاپ رسیده است.

۱۰- **اللمعات نيرة في شرح تکملة التبصرة**: آخوند خراسانی در آخرین سال حیات خود تصمیم به نوشتن یک دوره فقه استدلالی مختصر گرفت، به اسلوبی که مناسب برای تدریس باشد. تا همچنان که کفایه آخرین کتاب درسی سطوح عالی در علم اصول است این کتاب نیز آخرین متن فقهی دوره سطوح عالی قرار بگیرد. وی مصمم شد که آن را به صورت شرحی بر متن تکملة التبصرة تصنیف کند. آخوندخراسانی این تألیف خویش را اللمعات النيرة في شرح تکملة التبصرة نام نهاد. کتاب طهارت از این دوره فقه را در تاریخ دوم شوال ۱۳۲۹ قمری به پایان رساند و سپس به نگارش کتاب صلاة آن آغاز کرد و تا مبحث مکان مصلی را نوشت که دست اجل رشته این تصنیف را در همین جا گسست. و بدین سان آخرین اثر علمی آخوند خراسانی ناتمام باقی ماند. این کتاب برای نخستین بار ضمیمه سه رساله فقهی متقدم الذکر در سال ۱۳۳۱ قمری در یک مجلد به نام شذرات در بغداد، و برای بار دوم به صورت مستقل، در سال ۱۴۲۴ قمری در قم به طبع رسیده است. (مکی، ۱۳۸۳: ص ۴۵)

(ب) آثار منتشر نشده آخوند خراسانی

۱- حاشیه علی اسفار صدرالمتألهین

۲- حاشیه علی منظومه السبزواری

۳- شرح لاوائل الخطبة الاولى من نهج البلاغة

۴- رساله فی مسئله الاجاره

۵- رساله فی المشق (امین عاملی، ۱۴۰۳ق:ص ۶)

مرجعیت

درسال ۱۳۱۲ ق، بارحلت میرزا محمدحسن شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی، آخوند خراسانی به عنوان یکی از مراجع تقلید در کنار فقهای چون شیخ عبدالله مازندرانی، ملا محمد شربینانی (متوفای ۱۳۲۲ قمری)، شیخ محمد حسن مامقانی (متوفای ۱۳۲۳ قمری)، میرزا حسین تهرانی (متوفای ۱۳۲۶ قمری)، سید محمد کاظم یزدی صاحب عروه الوثقی (متوفای ۱۳۳۷ قمری)، شناخته می شود.

پس از مرجعیت آخوندخراسانی حوزه علمیه نجف با وجود ایشان بالاترین درجه علمی و اعتبار سیاسی را در میان کشورهای اسلامی پیدا کرد. در دوره زعامت ایشان حوزه علمیه نجف به اوج شکوفایی رسید، در آن دوره درسهای حوزه رونق یافته و گروههای زیادی از عالمان برای استفاده از نظرات، تدریس و نوشته های آخوندخراسانی به نجف عزیمت کردند. ایشان ضرورت یاد گیری زبان خارجی (مانند: زبان انگلیسی و فرانسوی) را برای طلاب احساس نموده، دستور دادند تعلیم زبانهای خارجی در حوزه دائر شود، به همین منظور مدرسه علوی و رضوی را تأسیس کردند و اجازه مصرف وجوه شرعی را به این دو مدرسه صادر نمودند.

تدریس و کیفیت درس و بحث آخوندونظم و جدید در درس

آخوند خراسانی مدرسی بود منظم و بسامان. هیچ مشکلی وی را از درس و بحث و تحقیق باز نمی داشت، و کوچکترین فرصت برای بالا بردن دانش خود و دیگران استفاده می برد. روزی دو درس اصول و فقه داشت درمسجد هندی و شیخ انصاری و همه کارهای درسی، وقت درس، پاسخ به پرسشها، پاسخ استفتاءها، دیدار ارباب رجوع، عیادت بیماران، رسیدگی به مسائل سیاسی، رسیدگی به امور غیرمترقبه همه نظم و برنامه داشت و اوقات خودرا چنان تنظیم کرده بود که به همه این امور دروقت خود انجام شود. وی فرصت ها را غنیمت می شمرد و در شبانه روز بیش از دو یا سه ساعت نمی خوابید. (آقاجفی قوچانی، ۱۳۷۸: ص ۹۱)

کوشش آخوندخراسانی دریادگیری علوم شهره عام و خاص بود. وقتی یگانه پیراهن خود را شسته بود و منتظر بود تا خشک شود که موقع درس شیخ رسید برای این که از درس استاد محروم

نشود، مچ های آستین را بست و عبا را به تن کرد بدون پیراهن در درس شرکت کرد. وی در وقت تدریس نیز مواظب درس و بحث طلاب بود. وی برآن بود تعطیلی درازمدت درس، طلبه ها را با مطالب درسی بیگانه می کند. و زحمت های آنان را هدر می دهد. وی در همه احوال درس را ترک نگفت. گفته شده که آخوند در روز مرگ همسر و عروسش نیز درس را ترک نکرد و برنامه درسی برابر دیگر روزها برقرار بود. و در ایام زیارتی کربلا که معمولاً دو هفته به طول می انجامید درس را به کربلا منتقل می ساخت. (کفایی، ۱۳۵۹: ص ۱۵) و طلاب حوزه با انجام زیارت مخصوص امام حسین(ع) از درس و بحث نیز غافل نبودند. حتی آخوند خراسانی به طلاب در نجف توصیه می کرد که طلاب پیش از موقع تشکیل خانواده ندهند و فرصت های طلائی خود را به درس و بحث اختصاص دهند چون تشکیل خانواده با نبودن امکانات افکار آنان را پریشان کرده، مانع ترقی و تکامل آنان می گردد. «آخوند بسیار منظم بود و در مدت ۱۳ سال درس اش ترک نشد». (آقاجنقی قوچانی، ۱۳۷۸: ص ۹۱)

ترویج دانش و فنون جدید

در مدارس گذشته حوزه افزون بر علوم تفسیر و کلام و فقه و اصول دیگر دانش های کاربردی چونان طب و هیأت و هندسه نیز تدریس می شدند و خواستگاه حکیمان و ریاضی دانان مدارس حوزوی بود. پس از رنسانس اروپا به تدریج این دانش ها از یکدیگر فاصله گرفتند و علم به قدیم و جدید تقسیم شد، و تبلیغات گمراه کننده سبب شد که این دانش ها به مثابه رقیب در جامعه ظاهر شوند یکی دیگری را کهنه گرا بخواند و دیگری ملحد و دین گریز.

آخوند خراسانی و شاگردانش برای پیوند این برادران دیرین گامهای مثبتی برداشتند. آخوند خراسانی در اندر زمانه به محمد علی شاه وی را تشویق می کند که برای پیشبرد اقتصادی کشور و صنایع و علوم جدید فعالیت کند، و کشور را از گرداب جهالت و وابستگی به بیگانگان برهاند. «همت گمارید در نشر و بسط علوم و صنایع جدید. آنچه باعث ترقی و تعالی سایر ملل گردیده و آنان را به اوج عظمت رسانیده همان فرا گرفتن علوم و صنایع تازه بوده و این از بدیهیات مسلم است که ایرانیان از حیث استعداد و قابلیت برتر از سایر ملل بوده و همیشه در طول تاریخ از این لحاظ پیشوا و مقتدای آنان بوده اند و این عقب ماندگی که اکنون مشاهده می شود و مملکت را تا بدین حد فقیر و مبتلا ساخته، ناشی از عدم توجه و التفات اسلاف و گذشتگان به این امور بوده و میل بی جای آنها به مصنوعات خارجی باعث سرایت این مرض به سایر افراد مملکت

گردیده و هستی و تجدید حیات و نوسازی ایران بستگی به این نکته مهم دارد». (کفایی، ۱۳۵۹: صص ۱۸۲-۱۷۹)

آخوند خراسانی در ۱۵۰ سال پیش استفاده از کالاهای تولیدی داخل را در قالب استفتا بیان نمودند و حتی در نامه ای به شاه قاجار ایشان را توصیه به استفاده از پارچه های ایرانی (شرکت پارچه بافی اسلامی) نمودند. و این نشان از این دارد که جهاد اقتصادی در کشور با همچنین پیشینه ای دارد.

آخوند خراسانی در نامه های گوناگون به سران مشروطه و نمایندگان مجلس نیز آنان را تشویق می کند که از علوم جدید در جهت خودکفائی و بی نیاز شدن کشاورز بیگانگان بهره گیرند: «امروز عقلای عالم متفق اند که مقتضیات این قرن مغایر با مقتضیات قرون سالفه است. هردولت وملت‌ی درامور عرفیه و موضوعات خارجیه از قبیل تسطیع طرق و شوارع و تجهیز عساکر بریه و بحریه به طرز جدید و آلات جدید و تاسیس کارخانجات که سبب ثروت ملیه است به وضع حالیه نکند و علوم و صنائع رارواج ندهد به حالت استقلال و حفظ جلالت انفراد مستقر نخواهدش و بقای برمسلك قدیمی جز اضمحلال و انقراض نتیجه نخواهد داد پس تاسیس این امور محترمه حفظ بیضه اسلام است و درمعنا این اعمال یک نحو جهاد دفاعی است که برعامه مسلمین واجب و لازم است بلکه درشرعیات اهم از این نیست». (آقا نجفی قوچانی، ۱۳۷۸: ص ۵۰)

مدارس آخوند خراسانی

هم چنین برخی از پیشگامان خیر هزینه ساختن مدرسه علمیه ای را به آخوند خراسانی دادند آخوند خراسانی هنگام ورود به نجف برای اسکان خود با دشواریهایی مواجه بود. این مشکل برای بیشتر طلاب علوم دینی که به نجف میرفتند، وجود داشت. از اینرو ایشان برای حل این مشکل، اقدام به ساخت مدارس نمود که همگی آنها به نام خود وی، مشهور شدند. نخستین مدرسه را که بزرگترین مدرسه تأسیس شده توسط آخوند است، مدرسه بزرگ آخوند میخوانند، که در محله حویش نجف، در منتهی الیه خیابان، به سمت قبله صحن مطهر واقع شده است و کار ساخت آن در سال ۱۳۲۱ قمری به پایان رسید. این مدرسه دارای دوطبقه ساختمان و یک کتابخانه است. مدرسه وسطی، دومین مدرسه آخوند خراسانی است که در محله براق، نزدیک بازار بزرگ نجف قرار دارد. این مدرسه دوطبقه دارد. ساخت این مدرسه در سال ۱۳۲۶ قمری به

پایان رسید. مدرسه کوچک سومین مدرسه آخوند است که آن نیز در محله براق، اما در کوچه ای معروف به صد تومانی ساخته شده است. ساخت این مدرسه در سال ۱۳۲۸ قمری به پایان رسید. این مدارس، مشکل بسیاری از طلاب را بر طرف کرد. بسیاری از آنان، مشتاق اسکان و درس خواندن در این مدارس بودند. در این مدرسه‌ها علاوه بر علوم متداول دینی، ادبیات فارسی نیز تدریس می‌شد. (آقا نجفی قوچانی، ۱۳۷۷: ص ۴۷)

تأسیس حوزه علمیه

در زمان مشروطه به آخوند خراسانی گفتند که حوزه علمیه تأسیس نماید. ظاهراً این قضیه مربوط به زمانی است که ایشان قصد عزیمت به سوی ایران و سکونت احتمالی در قم برای نظارت بر کار مشروطه را داشت. آخوند در جواب می‌فرماید: «حوزه تأسیس می‌شود، ولی نه توسط من، بلکه توسط یک شخصیت دیگر».

مرحوم شیخ مرتضی حائری و شیخ علی پناه اشتهاردی این جواب را حمل بر کرامت آخوند نموده و می‌فرمودند مقصود آخوند خبر دادن از آینده و تأسیس حوزه توسط شاگرد خود ایشان یعنی آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی است. (اشتهاردی، ۱۳۵۴: ص ۸۶)

وفات آخوند خراسانی

آخوند در نیمه شب پس از بجا آوردن تهجد و نماز شب، ناگهان حالتش منقلب شد و بدنش رو به سردی رفت. در همان حال اصرار ورزیده که حرکت به سمت مسجد سهله به هر قیمتی بایستی انجام گیرد. (نظام‌الدین زاده، ۱۳۳۰: ص ۶۵)

پزشک شهرداری و پزشک حکومت عثمانی که در پگاه روز سه شنبه ۲۱ آذر ماه ۱۲۹۰ خورشیدی مصادف با بیستم ذیحجه ۱۳۲۹ قمری، برابر با ۱۲ دسامبر ۱۹۱۱ م، به بالین آخوند احضار شدند و او را مرده یافتند، و علت مرگش را سکنه قلبی دانستند. در کتاب "اختناق در ایران آمده است": "از قرار تقریر دکترها، مرض آن مرحوم خناق قلبی، (سکنه قلبیه) بوده است اگر چه بعضی احتمال دیگر داده اند. (شوستر، ۱۳۵۱: ص ۱۷۸)

بسیاری از مورخین و معمرین بر این عقیده اند آخوند خراسانی به مرگ طبیعی^۲ نمرده بلکه به طریقی او را مسموم کرده اند تا مانع حرکتش به ایران شوند. (کفایی، ۱۳۵۹:ص ۲۷۹)

محل دفن ایشان

آخوند خراسانی در حرم حضرت علی (ع) و در کنار مقبره محقق رشتی دفن است. فرازی از وصایای آخوند، به فرزندانش: «از مرگ خویش نگران نیستم، چون به نزد کسی می‌روم که برای من از شما بهتر است. شما نیز از مرگ من نگران نباشید، چون شما را به کسی می‌سپارم که برای شما از من بهتر است»

^۲ - نوۀ آخوند خراسانی از قول میرزا مهدی فرزند آخوند نقل کرده است که سه هفته قبل از مرگ آخوند، بعضی به او خبر داده بودند که مراکزی درصدد قتل آخوند به نحو زیرکانه و مرموز می‌باشند و آخوند پاسخ داده بود که کسی در این فکر نیست. مجید کفائی ۱۳۵۹: ۲۸۰

نتیجه گیری:

آخوند خراسانی با اینکه خود از برجسته ترین حاملان و سخنگویان سنتی از اندیشه در جهان شیعه به شمار میرفت، اما توانست همان دانش مرسوم در حوزه های علمیه را مبدل به موتور محرکه ای برای تحول سیاسی و اجتماعی ایران بنماید و از درون چیزی که فرسوده تلقی میشد، اندیشه ای نو بنا کند و از بساط کهنه، نظم نوین برای تاریخ اندیشه به ارمغان آورد.

مرجعیت در سنت تشیع، اقتدار مشروعی بوده است که به حکم حدیث مشهور «در حوادث اجتماعی و پدیده های نوظهور، رهبری فکری جامعه اسلامی را به عهده دارد و در کورانهای حوادث، زمام امور ملت را بدست میگیرد. و دقیقاً همین اندیشه بوده است که عالمان دینی را در جامعه ایرانی برجسته ساخته است. آخوند خود انگیزه دخالت خود در نهضت مشروطیت را چنین بیان کرد: «اکنون که صاحب شریعت (امام زمان) ناپیوسته و اجرای شریعت نمیشود. خواه ناخواه «حکام جور» چیره گردیده اند، باری بهتر است برای جلوگیری از خودکامگی و ستمگران ایشان «قانونی» در میان باشد و «عقلای امت» مجلسی بر پا کرده، در کارها «شور» کنند.

در این مقاله به آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (۱۳۲۹-۱۲۵۵ هجری قمری)، بلند پایه ترین مرجع و مجتهد حامی مشروطه، یکی از سه ضلع مثلث رهبری نجف پرداخته شده است. ایشان در دو بعد نظری و عملی در نهضت مشروطیت در ایران منشاء اثر جدی بوده اند. وی برای موضع گیری سیاسی و مهم خود، البته دلیل شرعی اجتهادی داشت و در حمایت از اساس مشروطیت «فتاوی دینی» مهمی صادر کرد.

مکتوبات سیاسی آخوند خراسانی متأثر از افکار عصر و جوهری از نوآوری فقهی و سیاسی را در اندیشه فقهی ایشان نمایان می سازد که در واقع امر، نوعی تمایز آراء با سایر علما را در مواجهه با مشروطیت از سوی ایشان مشاهده می شود.

کفایه الاصول آخرین کتاب درسی طلاب در علم اصول و نهایی ترین متن اصولی در دوره سطوح عالی می باشد و محور و اساس کار مدرسان در تدریس خارج اصول قرار می گیرد.

منابع:

۱. آقابزرگ تهرانی، محسن، ۱۴۰۳ق، الذریعه، دارالاضواء.
۲. آقابزرگ تهرانی، محسن، ۱۴۰۴ق، نقباء البشر، دارالمرتضی النشر.
۳. آقا نجفی قوچانی، محمد حسن، ۱۳۵۱، سیاحت شرق، مشهد، نشر طوس.
۴. آقا نجفی قوچانی، محمد حسن، ۱۳۷۸، برگی از تاریخ معاصر، تصحیح شاکری، تهران، نشر هفت.
۵. آقا نجفی قوچانی، محمد حسن، ۱۳۷۷، حياه الاسلام، تصحیح شاکری، تهران، نشر هفت.
۶. اشتهازدی، علی پناه، بی تا، چهل حدیث از چهل کتاب.
۷. امین، عاملی، ۱۴۰۳ق، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۸. خراسانی، محمد کاظم، ۱۴۰۹ق، کفایه الاصول، قم، موسسه آل البيت.
۹. خراسانی، محمد کاظم، ۱۴۱۴ق، مقدمه کفایه الاصول، قم، موسسه نشر اسلامی.
۱۰. دریایی، محسن، ۱۳۸۶، حیات سیاسی فرهنگی واجتماعی آخوند. تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۱. رازی، محمد شریف، ۱۳۳۵، آثارالحجه یا دائره المعارف حوزه علمیه قم، قم، انتشارات نوین.
۱۲. شوستر، مورگان، ۱۳۵۱، اختناق ایران، ابوالحسن موسوی شوستری، تهران، انتشارات صفیعلیشاه.
۱۳. صدرالاسلام خویی، محمد امین، ۱۴۲۷ق، مرآه الشرق، قم، مکتبه المرعشیه.
۱۴. کرمانی، ناظم الاسلام، ۱۳۶۲، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، آگاه و نوین.
۱۵. کفایی، عبدالحسین، ۱۳۵۹، مرگی در نور، تهران، زوار.
۱۶. عنایت، حمید، ۱۳۷۶، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران، امیرکبیر.
۱۷. ملک زاده، مهدی، ۱۳۷۱، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، انتشارات علمی.
۱۸. نظام الدین زاده، سید حسن، ۱۳۷۷، هجوم روس و اقدامات روسای دین برای حفظ ایران، به کوشش نصرالله صالحی، تهران، موسسه نشر و پژوهش شیرازه.
۱۹. دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷، تهران، مرکز دائره المعارف.
۲۰. دائره المعارف تشیع، ۱۳۸۱، تهران انتشارات سعید محبی.